

تغییرات حاکمیت شرکتی بر گردش اعضای هیئت مدیره و هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد محمدی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مبارکه، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

mkz.mohamadi@gmail.com

حمزه عنبری

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مبارکه، اصفهان، ایران

hamzehanbary@yahoo.com

چکیده

وجود معیارها و سازوکارهای حاکمیت شرکتی به تغییر رفتار شرکتها منجر می‌شود. تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تصمیم‌های مدیریت در قبال سود از جمله مدیریت سود، اهمیت فراوانی دارد. توجه به حاکمیت شرکتی کارا و افزایش کارایی در قراردادهای فی مابین به منظور تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکتها و واحدهای اقتصادی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها از طریق مردم تامین شده است، منجر به تخصیص کارای منابع و در نهایت رشد توسعه اقتصادی می‌گردد. هدف این تحقیق بررسی تغییرات حاکمیت شرکتی بر گردش اعضای هیئت مدیره و هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت قضاوتی و حذفی سیستماتیک در بازه زمانی سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ انتخاب شده است. فرضیه تحقیق با استفاده از رگرسیون خطی و داده‌های ترکیبی و روش اثرات ثابت مقطعی مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه رگرسیون در میان نمونه مورد مطالعه نشان داد حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت و معنادار بر هموارسازی سود و گردش اعضای هیات مدیره دارد. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای اهرم مالی، اندازه شرکت و بازده دارایی بر هموارسازی سود و گردش اعضای هیات مدیره تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، گردش اعضای هیئت مدیره، هموارسازی سود.

مقدمه

وجود معیارها و سازوکارهای حاکمیت شرکتی به تغییر رفتار شرکتها منجر می‌شود. تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تصمیم‌های مدیریت در قبال سود از جمله مدیریت سود، اهمیت فراوانی دارد. با توجه به نقش حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر فعالیت‌های مدیریتی یک شرکت، این پرسش مطرح می‌شود که آیا وجود معیارهای حاکمیت شرکتی با شیوه مدیریت مرتبط است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که معیارهای حاکمیت شرکتی باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتها می‌شود (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰). کیفیت سود، معیاری برای سنجش کیفیت اطلاعات مالی محسوب می‌شود (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰). نتایج برخی از پژوهش‌های دیگر مانند یانگ و همکاران^۱ (۲۰۰۵)، بورگیستالر و همکاران^۲ (۲۰۰۶) و

¹ Young and et al

² Burgstahler and et al

راجگوپال و همکاران^۳ (۲۰۰۲) بیانگر آن است که وجود معیارهای حاکمیت شرکتی، سبب کاهش هموارسازی سود در شرکتها می‌گردد. مهرانی و همکاران (۱۳۹۰)، نیز بیان می‌کنند که معیارهای حاکمیت شرکتی می‌توانند باعث کاهش شدت مدیریت سود در شرکتها شوند. به حداکثر رساندن ثروت سهامداران یکی از اهداف شرکتها است که نمی‌تواند نادیده گرفته شود. حاکمیت شرکتی و اهرم مالی نقش مهمی در به حداکثر رساندن ثروت سهامداران ایفا می‌کنند. در حالیکه حاکمیت شرکتی نقش مهمی در افزایش هموارسازی سود نیز دارد (گیل و متهور^۴، ۲۰۱۱). اهرم مالی با افزایش خطر ورشکستگی، هموارسازی سود را کاهش می‌دهد. بنابراین، حاکمیت شرکتی صحیح با یک ساختار سرمایه مطلوب برای هر شرکت ضروری است. حاکمیت شرکتی به عنوان سیستمی است که توسط شرکت‌های تجاری هدایت و کنترل می‌شود (کاجولا^۵، ۲۰۰۸).

رسوایی‌هایی مالی در سراسر جهان و فروپاشی موسسات بزرگ باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران در بازارهای سرمایه می‌شود. کاهش اعتماد وارده تاثیر منفی بر هموارسازی سود در هر سهم و در نتیجه ارزش کلی شرکت دارد. از سوی دیگر، اهرم مالی احتمال ورشکستگی را افزایش می‌دهد که به نوبه خود باعث تردید سرمایه‌گذاران در بازارهای سرمایه می‌شود. بنابراین، حاکمیت شرکتی و اهرم مالی بر هموارسازی سود اثر می‌گذارد.

از آنجایی که رشد ارزش شرکتها برای به حداکثر رساندن ثروت سهامداران و دستیابی به اهداف شرکتها بسیار مهم است، در این میان شناسایی عوامل تاثیر گذار بر ارزش شرکت از اهمیت بسزایی برخوردار است. حاکمیت شرکتی و اهرم مالی شرکتها عوامل مهمی هستند که بر ارزش شرکت تاثیر می‌گذارند. این مطالعه همچنین به بررسی مفهوم دیگر به نام اعضای هیئت مدیره نیز می‌پردازد که می‌تواند بر حاکمیت شرکتی تاثیر داشته باشد. با توجه به گسترش معاملات با اشخاص وابسته و افزایش این معاملات در شرکتها لازم است که جهت کاهش جرائم مالی و بهبود عملکرد، سازوکارهای نظارتی ایجاد گردد. از جمله چنین سازوکارهای نظارتی، طراحی و اجرای نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکتها و بنگاههای اقتصادی است. حاکمیت شرکتی مجموعه مکانیزم‌های کنترل داخلی و خارجی شرکت است که تعیین می‌کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره می‌شود. توجه به حاکمیت شرکتی کارا و افزایش کارایی در قراردادهای فی مابین به منظور تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکتها و واحدهای اقتصادی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها از طریق مردم تامین شده است، منجر به تخصیص کارای منابع و در نهایت رشد توسعه اقتصادی می‌گردد. بنابراین، این مطالعه به بررسی تغییرات حاکمیت شرکتی بر گردش اعضای هیئت مدیره و هموارسازی سود می‌پردازد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

حاکمیت شرکتی و اعضای هیات مدیره

حاکمیت شرکتی، عامل مهمی در بهبود ارزش شرکت است. تاثیر اداره شرکت‌های بزرگ به دلیل ساختارهای مختلف حکمرانی شرکتی ناشی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و قانونی متفاوت است (روف^۶، ۲۰۱۱). حاکمیت شرکتی در چارچوب این مطالعه به عنوان مجموعه‌ای از فرآیندها، آداب و رسوم، سیاستها، قوانین و نهادهای موثر بر نحوه هدایت و کنترل شرکت تعریف می‌شود (روف، ۲۰۱۱).

³ Rajgopal and et al

⁴ Gill and Mathur

⁵ Kajola

⁶ Rouf

حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از روش‌ها، سیاست‌ها و اصول حقوقی است که برای حذف مشکلات نمایندگی مالکیت که ناشی از جداسازی مالکیت و کنترل در یک شرکت است، طراحی شده است. مکانیزم‌های قوی حاکمیت شرکتی مؤثر، از منافع همه سهامداران و افراد ذی‌نفع حمایت کرده و عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد و این اطمینان را ایجاد می‌کند که سرمایه‌گذاران بازده کافی از سرمایه‌های خود دریافت خواهند کرد (دنيس و ام سی کونل، ۲۰۰۳). همچنین حاکمیت شرکتی، در بردارنده مجموعه‌ای از رویه‌ها و روش‌های قانونی، نهادی و فرهنگی است که بر چگونگی اداره یا کنترل سازمان اثر می‌گذارد (اندرو و همکاران، ۲۰۱۴). با بوجود آمدن و گسترش شرکت‌های بزرگ که از تعداد زیادی سرمایه‌گذار تشکیل شده‌اند، تفکر جدایی مالکیت شرکت از مدیریت آن شکل گرفت. اهمیت این موضوع آنجا مشخص می‌شود که سهامداران و سرمایه‌گذاران از افت قیمت سهام خود نگران بوده و به دنبال کلید و راهکاری برای کنترل و نظارت و خروج از بحران می‌باشند. این ابزار چیزی جز سازوکار حاکمیت شرکتی نیست و هیئت مدیره شرکت‌ها رکن اساسی آن می‌باشند. کمیته حسابرسی نیز با اجرای اصول حاکمیت شرکتی، نقش مهمی در بهبود ارزش شرکت دارد. کمیته حسابرسی مکانیسم‌هایی را که کیفیت جریان اطلاعات را بین سهامداران و مدیران بهبود می‌بخشد، نظارت می‌کند (روف، ۲۰۱۱). هیئت مدیره یک شرکت، عامل اصلی موفقیت‌های آن شرکت به حساب می‌آید. از این لحاظ، شرکت‌ها برای دستیابی به موفقیت لازم است تا از ساختار هیئت مدیره‌ای اثرگذاری برخوردار باشند. اعضای هیئت مدیره از طرف سهامداران انتخاب می‌شوند و باید آنها را نمایندگی کنند. صورتی که شرکت ذینفعان متعددی دارد، تضاد منافع می‌تواند کارایی هیئت مدیره را تقلیل داده و زمینه فساد را فراهم آورد. اعتقاد بر این است که اندازه هیئت مدیره بزرگتر ارزش شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد (روف، ۲۰۱۱). به نظر می‌رسد که کاهش حجم هیئت مدیره ارزش شرکت را بهبود می‌بخشد. با این وجود اعتقاد بر این است که اگر مدیر اجرایی رئیس هیئت مدیره باشد، ارزش شرکت بهبود می‌یابد زیرا دوگانگی مدیر عامل باعث بهبود عملکرد شرکت شده است (رمدانی^۷، ۲۰۱۰).

حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود

یکی از اشکال مدیریت سود، هموارسازی سود است که توجه زیادی را در ادبیات حسابداری به خود جلب کرده است. فرضیه هموارسازی سود پیشنهاد می‌کند که سود برای کاهش نوسان‌های آن حول سطحی که برای شرکت نرمال به نظر می‌رسد، به طور آگاهانه دستکاری می‌شود. مدیران در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری از سیاست‌ها و روش‌هایی استفاده می‌کنند که واریانس سود گزارش شده را کاهش دهند. دیکو و اسکینر (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که مدیریت سود به انگیزه مدیریت مربوط می‌شود و انگیزه مدیریت بیشتر با عملکرد سهام مرتبط است. بنابراین، اگر در تحقیقات هموارسازی سود تاکید بر ارزش شرکت باشد، تحقیق سودمندتر خواهد بود.

تعاریف ارائه شده از هموارسازی سود متنوع است، به گونه‌ای که هر محقق با توجه به روش مورد استفاده جهت هموارسازی سود، تعریفی ارائه کرده است. بارنا و همکاران (۱۹۷۴) هموارسازی سود را کاهش عمدی نوسانات سود در چارچوب اصول حسابداری به حدی که برای شرکت‌ها عادی به نظر برسد، می‌دانند. بیلدمن (۱۹۷۳) هموارسازی سود را تلاش اعمال شده توسط مدیریت جهت کاهش تغییرات غیرعادی در سود و در قالب اصول حسابداری تعریف می‌کند. هر دو تعریف بر دستکاری سود بر اساس سود سنوات گذشته تاکید دارد؛ به گونه‌ای که بازدهی غیرعادی کاهش یافته و سود گزارش شده با سود مورد انتظار یکی شود. از سوی دیگر تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از هموارسازی سود انجام شده است. آلبرت و ریچاردسون (۱۹۹۰)

⁷ Ramdani and Witteloostuijn

و میچلسن و همکاران (۱۹۹۵)، هموارسازی سود را به دو نوع طبیعی و ساختگی تقسیم بندی کرده‌اند. ایکل (۱۹۸۱) نیز هموارسازی را به دو نوع طبیعی و عمدی تقسیم بندی کرده است.

هموارسازی طبیعی از یک فرآیند تولید که ایجاد کننده سودهای هموار باشد منتج می‌شود، در حالی که هموارسازی عمدی نتیجه روش‌های هموارسازی ساختگی است. یکی از اهداف اصلی هموارسازی سود، ایجاد یک جریان با ثبات تر به منظور پشتیبانی از سطح سود پرداختی بالاتر می‌باشد. هدف دیگر هموارسازی سود، تمایل مدیریت واحد تجاری برای افزایش قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک شرکت می‌باشد. از اهداف دیگر هموارسازی سود که از متون اقتصادی حاصل می‌شود، می‌توان به ملاحظات هزینه‌های سیاسی، مالیات و قراردادهای بدهی اشاره نمود. در ایران به دلیل رابطه نزدیک سیستم مالیاتی با سیستم گزارشگری و به عبارت دیگر پررنگ بودن تأثیر قوانین مالیاتی بر سیستم گزارشگری مالی، مالیات عامل مهمی در هموارسازی سود می‌باشد.

از طرفی صورت‌های مالی ارائه شده و آثار آن بر بازار سرمایه حاصل اشتراک منافی است که سه گروه کلی، استفاده کنندگان، شرکت و حرفه دارند. با این حساب مدیریت شرکت می‌بایستی بسیار محتاطانه عمل کند. چه بسا رفتار مدیر نه تنها به نفع او نبوده بلکه تضاد منافع در بر داشته باشد. در این باره یکی از راهکارهایی که بسیار مورد توجه شرکت‌ها است، پدیده مدیریت سود اعمال شده از طریق تکنیک‌های مختلف هموارسازی سود و بازخورد آن بر منافع مدیریت است به گونه‌ای که نوسانات نسبی سود را کاهش داده و بازخورد مثبتی را نیز بر منافع استفاده کنندگان از جمله قیمت سهام داشته باشد.

تشکیل و تجمیع سرمایه نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصاد کشورها دارد و توسعه پایدار نیازمند جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و تامین کنندگان مالی است. در نتیجه ایجاد یک سیستم حاکمیت شرکتی مناسبی که تامین کننده کارایی عملیات شرکت‌ها و بازده مناسب سرمایه‌گذاری شهروندان باشد، به یک الزام سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیت شرکتی، اطمینان دادن در مورد فرآیند گزارشگری مالی می‌باشد. از طرف دیگر مدیران شرکت‌ها از طریق هموارسازی سود، نوسان‌های سودآوری شرکت را کاهش می‌دهند تا باعث افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک آنها به منظور سرمایه‌گذاری در شرکت شوند. در مورد انگیزه‌های مدیریت برای هموارسازی سود دو دیدگاه وجود دارد:

- ۱- مدیران به قصد تحریف اطلاعات و کسب منافع خود دست به این اقدام می‌زنند.
- ۲- هموارسازی به منظور انتقال و گزارش اطلاعات محرمانه مدیریت درباره سودهای آتی صورت می‌گیرد.

اعضای هیئت مدیره و هموارسازی سود

منظور از اندازه هیئت‌مدیره تعداد اعضای هیئت مدیره است و فاکتوری مهم در تأثیرگذاری آن می‌باشد. بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه‌های متضادی پیرامون رابطه اندازه هیئت مدیره و اثرگذاری آن وجود دارد. از منظر نمایندگی می‌توان استدلال نمود که یک هیئت مدیره بزرگتر به احتمال قوی نسبت به مشکلات نمایندگی هوشیار است، زیرا تعداد بیشتری از افراد کارهای مدیریت را تحت نظر قرار خواهند داد.

با در نظر گرفتن این موضوع که نقش اصلی هیئت مدیره نظارت بر مدیریت است، پژوهش‌ها در زمینه اندازه هیئت مدیره تنها از منظر نظارت مورد بررسی قرار می‌گیرد. ژی و همکاران (۲۰۰۳)، به این نتیجه دست یافتند که تعداد بیشتر اعضای هیئت مدیره با سطوح پایین مدیریت سود ارتباط دارد. هرچند بیزلی (۱۹۹۶)، رابطه مثبتی بین اندازه هیئت مدیره و احتمال تقلب یافت، اما ابوت و همکاران (۲۰۰۰) رابطه‌ای بین این دو متغیر مشاهده نکردند.

هر چند کوکی و همکاران (۲۰۱۱)، اظهار نمودند بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه مثبتی وجود دارد. در بورس اوراق بهادار تهران نیز آقایی و همکاران (۱۳۸۸) به رابطه معناداری بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود دست نیافتند. بررسی ادبیات پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد که نتایج متفاوتی بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود مشاهده شده است. در این زمینه مطالعاتی صورت گرفته که به طور مختصر به هر کدام از آنها پرداخته می‌شود:

چن و همکاران (۲۰۱۷)، به بررسی تاثیر هموارسازی سود بر خطر کاهش قیمت سهام پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که هموارسازی سود بیشتری انجام می‌دهند با خطر سقوط قیمت بیشتر مواجهند. همچنین آنها نشان دادند که این رابطه در بین شرکت‌های با مالکیت نهادی کوچکتر بیشتر است.

گیل و ماتور (۲۰۱۷)، نمونه‌ای از ۹۱ شرکت تولیدی کانادایی را که در بورس اوراق بهادار تورنتو در مدت سه سال ثبت شده - اند، نمونه برداری کردند و دریافتند که اندازه هیئت مدیره اثر منفی بر ارزش شرکت دارد و دوگانگی مدیر عامل، اندازه شرکت، و بازده دارایی به طور مثبت بر ارزش شرکت تاثیر می‌گذارد.

فیث و همکاران (۲۰۱۵)، با استفاده از نمونه‌ای شامل ۵۱۸۹ مشاهده طی سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ به بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت های چینی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که تمرکز مالکیت، حضور سهامداران خارجی، مالکیت اشخاص حقیقی، نوع مالکیت سهامداران عمده، هیات سرپرستی و ترکیب هیات مدیره بر ضریب واکنش سود موثر هستند.

چانگ (۲۰۱۴)، با استفاده از نمونه‌ای شامل ۹۸۹ شرکت آمریکایی و ۸۸ شرکت غیرآمریکایی به این نتیجه رسیدند که ارتباط مثبت و معناداری بین ترکیب هیات مدیره و محتوای اطلاعاتی سود و همچنین رابطه منفی و معناداری بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل و محتوای اطلاعاتی سود وجود دارد.

گیل و جان (۲۰۱۲)، به بررسی تاثیر مدیریت شرکت ها و اهرم مالی بر ارزش شرکت های آمریکایی پرداختند. به طور کلی، یافته ها نشان می‌دهد که اندازه هیئت مدیره بزرگتر ارزش شرکت های آمریکایی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، و دوگانگی مدیر عامل، کمیته حسابرسی، اهرم مالی، اندازه شرکت، بازده دارایی ها و دارایی های خودی تاثیر مثبت بر ارزش شرکت‌های آمریکایی دارد. تاثیر حاکمیت شرکتی و اهرم مالی بین صنایع تولیدی و خدماتی متفاوت است.

چانگ و سون (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی تاثیر افشای ساختار حاکمیت شرکتی بر ادراک بازار از محتوای اطلاعاتی و مدیریت سود پرداختند. نمونه مورد بررسی آنها شامل ۲۹۷۷ شرکت طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ بود. آنها به این نتیجه رسیدند که ساختار حاکمیت شرکتی قوی‌تر موجب می‌شود که بازار به تغییرات سود واکنش بیشتری نشان دهد.

نظریان (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین هموار سازی سود شرکت‌ها و ارزش شرکت‌ها با توجه به نقش تعدیل‌گری مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. بنابر نتایج این پژوهش، بین هموارسازی سود شرکت‌ها و ارزش شرکت‌ها رابطه معنی‌دار وجود ندارد. همچنین مشخص شد که مسئولیت اجتماعی تاثیری بر نرخ سرمایه‌گذاری نداشته و اجرای دستورالعمل‌های مسئولیت پذیری اجتماعی، مانع یا کاهشده هموارسازی سود و سایر دستکاری - های اطلاعات مالی شرکت‌ها نیست.

صفرزاده و طاووسی (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای با عنوان رابطه بین حاکمیت شرکتی و معامله با اشخاص وابسته پرداختند. نتیجه‌ی پژوهش حاکی از آن است که بین معامله با اشخاص وابسته و مالکیت سهامداران نهادی و تغییر مدیر عامل رابطه‌ی معکوس و معنادار، بین معامله با اشخاص وابسته و استقلال اعضای هیئت مدیره رابطه معکوس و غیر معنادار، بین معامله با اشخاص

وابسته و پاداش هیئت مدیره رابطه مستقیم و معنادار، و بین معامله با اشخاص وابسته و چرخش حسابرس مستقل رابطه مستقیم غیر معناداری وجود دارد.

ستایش و همکاران (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای با عنوان بررسی حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که کیفیت حسابداری بر هموارسازی سود در هر سه سطح موثر می‌باشد. افزون بر آن درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره در هموارسازی سود ناخالص و مالکیت نهادی و مدیریتی در هموارسازی سود عملیاتی و سود خالص عوامل موثری محسوب می‌شوند. نتایج نشان داد که استقلال هیئت مدیره تأثیری بر هموارسازی سود ندارد.

دموری و مهدی آبادی (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل رابطه بین حاکمیت شرکتی، هموارسازی سود و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش بیان می‌کند که بین حاکمیت شرکتی و درجه هموارسازی صورت گرفته رابطه کمی وجود دارد. زیرا از بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی تنها امتیاز کیفیت و افشا و درصد سهامداران عمده با درجه هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری دارند. همچنین نتایج حاصله نشان می‌دهد که درجه هموارسازی صورت گرفته در سطح سود خالص در هیچ یک از دو روش هموارسازی سود، نتوانسته باعث افزایش ارتباط بین سود دوره جاری و جریان‌های دوره بعد شود. بنابراین هموارسازی صورت گرفته در این سطح، از آگاهی بخشی برخوردار نمی‌باشد.

باغبانی و دستجردی (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج مدل رگرسیونی نشان می‌دهد بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و مدیریت سود ارتباط مثبت وجود دارد، در حالیکه رابطه‌ای بین اندازه و استقلال هیئت مدیره با مدیریت سود مشاهده نگردید. البته در این پژوهش آثار برخی متغیرهای کنترلی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

ستایش و ابراهیمی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای با عنوان بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محتوای اطلاعاتی سود تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی رابطه مثبت و معناداری دارد. در این پژوهش شواهدی دال بر وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مالکیت مدیریتی، مالکیت نهادی، مالکیت شرکتی، ترکیب هیات مدیره و اندازه هیات مدیره با محتوای اطلاعاتی سود یافت نشد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- تغییرات حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود تأثیر معناداری دارد.
- ۲- تغییرات حاکمیت شرکتی بر گردش اعضای هیئت مدیره تأثیر معناداری دارد.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، بدین دلیل که به آزمودن تأثیر تغییرات حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود و گردش اعضای هیئت مدیره می‌پردازد و دانش کاربردی در مورد این دو متغیر را توسعه می‌دهد، از نظر هدف، تحقیق کاربردی است و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، این تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی است. این تحقیق توصیفی است چراکه به توصیف وضعیت متغیرها و نیز روابط میان آنها می‌پردازد. از نوع همبستگی است، چراکه با استفاده از تحلیل همبستگی و تحلیل رگرسیون روابط همزمانی میان متغیرها را آزمون و تبیین می‌نماید. در زمینه ادبیات تحقیق و مسائل نظری مرتبط با موضوع

از منابع موجود استفاده می‌شود و در زمینه جنبه های علمی مرتبط با موضوع و بررسی سؤالات تحقیق از داده‌های موجود در نرم افزار ره آورد نوین استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت های تولیدی فعال در سازمان بورس اوراق و بهادار تهران می شود و جهت نمونه گیری از روش حذفی سیستماتیک در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ بهره گرفته شد. در نهایت تعداد ۹۹ شرکت تولیدی مورد انتخاب قرار گرفت. همچنین جهت تحلیل داده‌های تحقیق از روش داده‌های ترکیبی استفاده شد و با توجه به آزمون های چاو و هاسمن، اثرات ثابت مقطعی انتخاب گردید.

مدل پژوهش و تعریف عملیاتی متغیرها

برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های زیر برای هر فرضیه استفاده می‌شود:

مدل فرضیه اول

$$SMOOTH_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CORPGOV_{i,t} + \beta_2 CONTROLVAR_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل فرضیه دوم

$$CT_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CORPGOV_{i,t} + \beta_2 CONTROLVAR_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

تعریف عملیاتی متغیرها

متغیرهای وابسته

- هموارسازی سود

در این تحقیق همواربودن سود به عنوان نسبتی از انحراف معیار سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه و جریان نقد عملیاتی که هر دو بر حسب جمع دارایی های اول دوره تعدیل شده‌اند به صورت زیر اندازه‌گیری شد (طالب‌نیا و جوانمرد، ۲۰۱۱). همواربودن سود به معنی یکنواخت بودن سود در سال های مختلف است.

$$SMOOTH_{j,t} = \frac{\sigma(CFO_{j,t}/ASSET_{j,t-1})}{\sigma(Earn_{j,t}/ASSET_{j,t-1})}$$

σ = انحراف معیار

$CFO_{j,t}$ = جریان های نقدی عملیاتی در سال t

$Earn_{j,t}$ = سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه در سال t

$ASSET_{j,t}$ = جمع دارایی های شرکت j در پایان سال $t-1$

در معادله بالا مقادیر بزرگتر (کوچکتر) $SMOOTH$ بیانگر هموار بودن بیشتر (کمتر) سود و کیفیت پایین تر (بالا تر) سود می باشد.

- گردش اعضای هیات مدیره

برای اندازه‌گیری این متغیر از دوره تصدی مدیرعامل (CT) استفاده می‌شود. برای هر سال برابر است با تعداد سال‌هایی که از زمان تصدی آن به عنوان مدیرعامل می‌گذرد (برای سال اول عدد ۱، سال دوم عدد ۲، سال سوم عدد ۳ و ...).

متغیر مستقل

حاکمیت شرکتی: جهت سنجش تغییرات حاکمیت شرکتی اندازه هیات مدیره مورد بررسی قرار می‌گیرد. اندازه هیات مدیره بوسیله لگاریتم طبیعی تعداد کل مدیران (اعضای موظف و غیرموظف هیات مدیره) اندازه گیری می‌شود (هانگ تران، ۲۰۱۴).

آمار توصیفی

در این بخش ابتدا شاخص‌های آمار توصیفی که شامل شاخص‌های مرکزی (ماکزیمم، مینیمم، میانگین) و شاخص‌های پراکندگی شامل واریانس و انحراف معیار و شاخص‌های چولگی و کشیدگی هستند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۱): آماره توصیفی متغیرهای تحقیق

بازده دارایی	اهرم مالی	اندازه شرکت	حاکمیت شرکتی	گردش اعضای هیات مدیره	هموار سازی سود	
۶۹,۲۸	۰,۶۶۸	۱۵,۳۵	۳,۱۴	۰,۸۲۱	۰,۶۶۱	میانگین
۳۲,۹۹	۰,۶۶۵	۱۵,۱۱	۲,۹۳	۱	۰,۶۷۶	میانه
۸۱۳,۰۰	۱,۴۴	۲۰,۹۱۳	۷,۰۱	۱	۰,۹۰۸	ماکزیمم
-۷۲,۳۰	۰,۱۵۹	۱۱,۸۹	۱,۷۴	۰	۰,۲۸۸	مینیموم
۱۲۱,۲۲	۰,۲۰۲۶	۱,۶۰۳	۰,۹۰۴	۰,۳۸	۰,۱۱۲	انحراف معیار
۲,۶۱۱	۰,۱۴۲	۰,۹۹۵	۱,۵۶۷	-۱۶,۸	-۰,۳۵۴	چولگی
۱۲,۵۴	۳,۱۰۳	۴,۱۱۳	۶,۰۰۱	۳,۸۲	۲,۹۷۳	کشیدگی
۲۸۷۷,۲۲۶	۲,۲۳۰	۱۲۶,۴۶	۴۵۷,۶۷	۲۹۰,۷۳	۱۲,۱۹	آماره جاکوبرا
۰,۸۵۱	۰,۳۲	۰,۶۲۹	۰,۷۳۲	۰,۴۸	۰,۷۱	احتمال

منبع: خروجی نرم افزار ایویوز

تعیین مدل مناسب برای تخمین مدل رگرسیون

با توجه به ادبیات پژوهش موجود و نیاز ماهیات فرضیه‌های پژوهش در این پژوهش از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. به منظور تعیین مدل مناسب (تلفیقی یا تابلویی با اثرات ثابت یا تصادفی) برای آزمون فرضیات از آزمون‌های F لیمر (چاو) استفاده شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون F لیمر

تفسیر نتایج	احتمال	آماره t	آزمون اف-لیمر
داده‌های پنل	۰,۰۰۰۰	۲۴,۳۶	مدل فرضیه اول
داده‌های پنل	۰,۰۰۰	۹۵۰,۹۵	مدل فرضیه دوم

منبع: خروجی نرم‌افزار ایویوز

با توجه به اینکه در مدل فرضیه اول و دوم پژوهش مشاهده می‌شود مقادیر احتمال کمتر از ۵ درصد می‌باشد فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأ تأیید نشده و برای آزمون فرضیات می‌بایست از روش پنل استفاده شود.

آزمون فرضیات پژوهش

فرضیه اول: تغییرات حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود تاثیر معناداری دارد. برای قضاوت در مورد فرضیه‌ها و وجود مدل معنادار باید به مقدار آماره F یا سطح معناداری آن توجه نمود. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره F برای مدل اول $2,370,772$ برابر است که در ناحیه رد فرضیه صفر قرار دارد. همچنین بر مبنای سطح معناداری نیز می‌توان این نتیجه را دریافت. همچنین تابع F سطح معنادار بودن F (معنی‌دار بودن رگرسیون) ارائه شده است که در این برآورد برابر $0,054$ می‌باشد که به علت اینکه کمتر از $0,1$ می‌باشد بدین معنی است که معادله رگرسیون در سطح 90% معنی‌دار است. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد. اندازه شرکت و بازده دارایی تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد. همچنین نتایج نشان داد که اهرم مالی تاثیر مثبت ولی بی معنایی بر هموارسازی سود دارد.

جدول (۳): نتایج برآورد مدل اول (متغیر وابسته: هموارسازی سود)

$SMOOTH_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CORPGOV_{i,t} + \beta_2 CONTROLVAR_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیرها	ضرائب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
$CORPGOV_{i,t}$	۰,۶	۰,۲۳	۲,۵۷	۰,۰۰۰
LEV	۱,۷	۵,۵۹	۰,۳۱۱	۰,۷۵
$SIZE$	۷,۳۲	۱,۹۶	۳,۷۲	۰,۰۰۴
ROA	۰,۴	۰,۱۴	۲,۸۱	۰,۰۰۰
$R-squared$	۰,۶۹	Mean dependent var		۱۶۰,۷۴
Adjusted R-squared	۰,۶۹	S.D. dependent var		۱۵۶,۹
S.E. of regression	۱۴,۶۵	Sum squared resid		۱۰۰۳۶۲,۱
F-statistic	۲,۳۷	Durbin-Watson stat		۲,۱
Prob(F-statistic)				
۰,۰۵۴				

منبع: خروجی نرم‌افزار ایویوز

فرضیه دوم: تغییرات حاکمیت شرکتی بر گردش اعضای هیئت مدیره تاثیر معناداری دارد. برای قضاوت در مورد فرضیه‌ها و وجود مدل معنادار باید به مقدار آماره F یا سطح معناداری آن توجه نمود. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره F برای مدل اول $4,07699$ برابر است که در ناحیه رد فرضیه صفر قرار دارد. همچنین بر مبنای سطح معناداری نیز می‌توان این نتیجه را دریافت. همچنین تابع F سطح معنادار بودن F (معنی‌دار بودن رگرسیون) ارائه شده است که در این برآورد برابر $0,003$ می‌باشد که به علت اینکه کمتر از $0,1$ می‌باشد بدین معنی است که معادله رگرسیون در سطح 90% معنی‌دار است. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی تاثیر مثبت و معنایی بر گردش اعضای هیات مدیره دارد. همچنین نتایج متغیرهای کنترلی پژوهش نشان داد که اندازه شرکت و بازده دارایی تاثیر مثبت و معناداری بر گردش اعضای هیات مدیره دارد و همچنین نتایج نشان داد که اهرم مالی تاثیر منفی و معناداری بر گردش اعضای هیات مدیره دارد.

جدول (۴): نتایج برآورد مدل دوم (متغیر وابسته: گردش اعضای هیات مدیره)

$CT_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CORPGOV_{i,t} + \beta_2 CONTROLVAR_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیرها	ضرائب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
$CORPGOV_{i,t}$	۰,۱۰۲	۰,۰۳۸	۲,۶۳	۰,۰۰۸۸
LEV	-۰,۴۹	۰,۱۱۴۷	-۴,۳۵	۰,۰۰۰
$SIZE$	۰,۰۴	۰,۰۱۳	۲,۹۱	۰,۰۰۰
ROA	۲,۹۷	۱,۵۳	۱,۹۴	۰,۰۵۳
$R-squared$	۰,۰۸۷	<i>Mean dependent var</i>		۹,۷۲
<i>Adjusted R-squared</i>	۰,۰۶۶	<i>S.D. dependent var</i>		۱۱,۷۲
<i>S.E. of regression</i>	۱۱,۲۶	<i>Sum squared resid</i>		۲۱۵۷۸,۵
F -statistic	۴,۰۷	<i>Durbin-Watson stat</i>		۰,۹۱
<i>Prob(F-statistic)</i> ۰,۰۰۳				

منبع: خروجی نرم افزار ایویوز

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش تاثیر تغییرات حاکمیت شرکتی بر گردش اعضای هیئت مدیره و هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری داده ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره مبین رابطه معنادار و مثبت بین حاکمیت شرکتی بر گردش اعضای هیات مدیره و هموارسازی سود وجود دارد همچنین سایر نتایج پژوهش نشان می دهد که متغیرهای کنترلی رابطه مثبت و معناداری با هر یک از متغیرهای وابسته (هموارسازی سود و گردش اعضای هیات مدیره) دارند. پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع بود که هرگاه مکانیزم های حاکمیت شرکتی در سازمان قوی تر باشد، درجه هموارسازی آن بالاتر خواهد رفت و این هموارسازی سود صورت گرفته به ارتباط مثبت و قوی تری بین سود دوره جاری و جریان های نقد دوره بعد می انجامد و این امر باعث افزایش کیفیت و آگاهی بخشی صورت های مالی می شود. هموارسازی سود صورت گرفته در این پژوهش به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به استفاده کنندگان صورت های مالی بوده است. نتایج پژوهش با مطالعات فیث و همکاران (۲۰۱۵)، گیل و جان (۲۰۱۲)، ستایش و همکاران (۱۳۹۵) و باغبانی و همکاران (۱۳۹۳) همسو می باشد.

براساس یافته های این پژوهش، به سرمایه گذاران توصیه می شود در هنگام انتخاب شرکت ها برای سرمایه گذاری تنها به داشتن سود خالص هموار در آنها بسنده نکنند. چون نتایج این پژوهش نشان داد که هر چه به قسمت های پایینی صورت سود و زیان نزدیک می شویم، از درجه آگاهی بخشی سود کاسته می شود. از طرف دیگر، نتایج این پژوهش بیان می کند که شرکت های دارای امتیاز کیفیت و افشای بالاتر، آگاهی بخشی سود بیشتری دارند. با توجه به وجود معیارهای مختلف دیگر برای محاسبه هموارسازی سود و همچنین سایر معیارهای حاکمیت شرکتی به ویژه موارد مربوط به کمیته حسابرسی، پیشنهاد می شود پژوهش های آتی این معیارها را در نظر گرفته و درجه هموارسازی صورت گرفته در صنایع مختلف را نیز با هم مقایسه کنند. از محدودیت های این پژوهش، نبود اطلاعات لازم در مورد واحد حسابرسی داخلی برخی از شرکت های بورس بود که باعث کنار

گذاشته شدن بسیاری از معیارهای مربوط به این واحد (از قبیل تعداد اعضای این کمیته، وجود یک متخصص مالی، تعداد جلسات کمیته حسابرسی) شد که می‌توانست به عنوان یک مکانیزم مهم حاکمیت شرکتی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ✓ آقای، محمدعلی، اعتمادی، حسین، آذر، عادل، چالاک، پری، (۱۳۸۸)، ویژگی های حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش مدیریت سود، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۲۷-۵۳.
- ✓ ایزدی‌نیا، ناصر، آقائقی دهقی، جواد، رسائیان، امیر، (۱۳۹۱)، تاثیر ابزارهای نظام راهبری شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی پیرامون اعلام سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مالی، شماره ۱۳، صص ۴۴-۶۵.
- ✓ دموری، داریوش، زارع، حبیب، صادقی، حبیب الله، مهدی آبادی، نرگس، (۱۳۹۳)، تجزیه و تحلیل رابطه بین حاکمیت شرکتی، هموارسازی سود و کیفیت گزارشگری مالی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، دانشکده حسابداری و مدیریت.
- ✓ ستایش، محمدحسین، ابراهیمی، فهمیه، (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوره ۳، شماره ۸، صص ۳۱-۴۸.
- ✓ محمودزاده باغبانی، سعید، پورغفاردستجردی، جواد، (۱۳۹۳)، تاثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سیاست‌های مالی و اقتصادی، جلد دوم، شماره ۵، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- ✓ صفرزاده، محمد حسین، طاوسی، ساجده، (۱۳۹۶)، رابطه بین حاکمیت شرکتی و معامله با اشخاص وابسته، مطالعات تجربی حسابداری مالی، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۳، صص ۹-۱۳.
- ✓ فروغی، داریوش، سعیدی، علی، رسائیان، امیر، زارع، سحر، (۱۳۹۰)، کیفیت سود و سطح نگهداشت وجه نقد در بورس اوراق بهادار تهران، مجله برنامه ریزی و بودجه، شماره ۱۱۳، صص ۵۷-۸۱.
- ✓ مهرانی، ساسان، فروغی، داریوش، کردتبار، حسین، رسائیان، امیر، (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر ابزارهای نظارتی حاکمیت شرکتی در کاهش شدت مدیریت سود، فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۷۶، صص ۵۱-۷۸.
- ✓ Abbott, L. J., Park, Y. & S. Parker (2000), "The Effects of Audit Committee Activity and Independence on Corporate Fraud", *Managerial Finance*, Vol. 26, PP. 55-67.
- ✓ Beasley, M. S. (1996), "An Empirical Analysis of the Relation between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud", *The Accounting Review*, Vol. 71, PP. 443-465.
- ✓ Bur gstahler, D., Hail, L., Leuz, C. (2006). *The Importance of Reporting Incentives: Earnings Management in European Private and Public Firms. The Accounting Review.*
- ✓ Chang, J. & Sun, H. (2010). "Does The Disclosure of Corporate Governance Structure Affect Firms Earning Quality?" *Review of Accounting and Finance* 3 , pp.212-243.

- ✓ Chang, J. & sun, H. (2014). "Cross listed Foreign Firms Earnings informativeness , Earnings management and disclosure of Corporate Governance information under SOX". *The international journal of accounting*, 4, pp1-32.
- ✓ Cheng, M.C. and Z.C. Tzeng, (2017). "The effect of leverage on firm value and how the firm financial quality influence on this effect", *World Journal of Management*, 3(2), pp. 30-53.
- ✓ Dechow, P. M., Sloan, R. G. & A. P. Sweeney (2000), "Detecting Earnings Management", *The Accounting Review*, Vol. 70, PP. 193-226.
- ✓ Gill, A. and N. Mathur, (2017b). "Factors that influence financial leverage of Canadian firms", *Journal of Applied Finance and Banking*, 1(2), pp. 19-37.
- ✓ Gill, A., N. Biger, and N. Mathur, (2011). "The effects of capital structure on profitability: Evidence from United States", *International Journal of Management*, 28(4), pp. 3-15.
- ✓ Kajola, S.O., (2008). "Corporate governance and firm performance: The case of Nigerian listed firms", *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, 14, pp. 16-27
- ✓ Raj gopal S, Venkateachalam M, Jiambalvo J. (2002). *Is Institutional Ownership Associated with Earnings Management and the Extent to Which Stock Prices Reflect Future Earnings? Working paper, Stanford University.*
- ✓ Ramdani, D. and A.V. Witteloostuijn, (2010). "The impact of board independence and CEO duality on firm performance: A quantile regression analysis for Indonesia, Malaysia, South Korea and Thailand", *British Journal of Management*, 21(3), pp. 607-627.
- ✓ Rouf, M.A., (2011). "The relationship between corporate governance and value of the firm in developing countries: Evidence from Bangladesh", *The International Journal of Applied Economics and Finance*, 5(3), pp. 237-244.
- ✓ Xie, B., Davidson, W. N. & P. J. Dadalt (2003), "Earnings Management and Corporate Governance: The Roles of the Board and the Audit Committee", *Journal of Corporate Finance*, Vol. 9, PP. 295-316
- ✓ You ng, S. Peasnell, K. V. and Pope, P. F.(2005). *Board Monitoring and Earnings Management: Do outside Directors Influence Abnormal Accruls? Ssrn.com*